

گفتاری از آیت الله وحید خراسانی پیرامون ماه محرم

در این ایام، سه مهم پیش رو داریم: اول، نسبت به خودمان، دوم نسبت به مردم و سوم، نسبت به صاحب این ایام. هر سه، بحثش مفصل است، اما اجمال مطلب این است که فرصتی برای شما پیش آمده و این فرصت برق آسا می‌گذرد و حسرت کبرایش برای فرد فرد ما می‌ماند. در حالیکه هریک از شما می‌توانید امر هدایت نفوس را متصدی بشوید.

- اول، نسبت به خودمان: این حدیث را خوب بفهمید که: **«اشراف امتی حمله القرآن و اصحاب اللیل - بهترین امت من، حاملان قرآن و شب‌زنده‌داران هستند»**. اولاً امت او چه امتی است؟ **« وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ »** این ارزش امت اوست. شهدا بر عموم بشر، امت اویند. حال باید دید اشراف این امت کیان‌اند؟ آن هم اشرافی که حضرت خاتم(ص) سکه شرف به سینه آنها نصب کند.

اشراف امتی حمله القرآن و اصحاب اللیل

از امروز شروع کنید بدون استثنا، هیچ شب و روزی بر شما نگذرد، مگر با این عمل. اما روز، حمله القرآن؛ **«فاقرؤا ماتیسر من القرآن»** آن اندازه که میسر است قرآن بخوانید، ولی راه باید طوری رفت که سریع به مقصد رسید. تمام دقائق کمال در روایات متشنت است. باید اینها را جمع کرد. این جا این جمله را فرموده و جای دیگر باز فرموده چطور حامل قرآن شو. **«قرآن بخوانید، اما آن قرآن را هدیه کنید به صاحب عصر ولی زمان (عج) عمل را از خود منقطع و به او متصل کنید»**. چه می‌کند این فرموده؟ بحث فنی عظیمی دارد. خود انقطاع عمل از نفس و ربط عمل به مبدأ فیض وجود حکم اکسیری پیدا می‌کند که فلز را منقلب می‌کند.

اما کلمه دوم، به اصحاب اللیل مربوط است. به هر وضعی که هست، آخر شب بیدار شوید و روی این مطالب فکر کنید. بالاترین مقام چه مقامی است؟ مقامی که خدا برای شخص اول عالم معین کرده است. دیگر از نظر عقل و نقل غیر از این غیر معقول است چنین مقامی را خدا به همچو کسی وعده داد، اما به یک خصوصیت فرمود: **«وَ مِنْ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا»** از این جا باید فهمید چطور عمر ما گذشت و راه را طی نکردیم به این شرف نرسیدیم.

اشراف امتی حمله القرآن و اصحاب اللیل. اگر این طور شدیم، نفس ما به مبدأ نور وصل می‌شود. از آن جا مدد می‌شود. آن وقت است که بشر خواهد فهمید اثر تربیت این دین چیست؟ این کاری است که باید با خودمان کنیم

— دوم، نسبت به مردم: اما کاری که با مردم است اینکه این فرصت‌ها از دست نرود. سعی کنید در این دهه که بهار حیات دل‌هاست به هر قیمتی که هست این دو کار را انجام دهید؛ چرا که بالاتر از این دو پیش خدا هیچ عملی نیست: یک گمراه از خدا را به خدا برگردانید؛ عبد ابق از این مولا را برگردانید به عبودیت او و یک کسی که امام زمانش را گم کرده با ولی عصر (عج) آشنایش کنید.

مجالستان را منحصراً در این دو کلمه صرف کنید. ارزش این دو مقوله به حدی است که نباید وقت را ببازید و از دست بدهید. اول، آن قرآن و شب‌زنده‌داری را عملی کنید. بعد متصدی هدایت مردم شوید. آن وقت، اثرش این است اگر یک گنه‌کار را از گناه توبه دهید و بیگانه از امام زمان (عج) را با او آشنا کنید. اجرش، ثواب صد سال است که همه روزها را روزه بگیرید و شب‌ها تا به صبح عبادت کنید. **«اغتنموا الفرص - فرصت‌ها را از دست ندهید.»**

— سوم، نسبت به صاحب این ایام: باید وظیفه‌مان را نسبت به صاحب این ایام بدانیم و بفهمیم که چه خونی ریخته شده است؟ هیچ دانستیم که چه کسی کشته شد؟ «شیخ طوسی»، «شیخ صدوق» و «ابن قولویه» این روایت را نقل کرده‌اند. مختصری از این روایت بس است. این نص حدیث صحیحی است که مثل «شیخ انصاری» در موارد احتیاط در نفوس طبق سند این حدیث فتوا می‌دهد. در این حدیث مسأله این است: «اشهد ان دمک سکن فی الخلد - شهادت می‌دهم خون تو در خلد مسکن کرده است.» کیست که بفهمد حسین بن علی کیست؟ خلد کجاست؟ در آن ملاً اعلی که مرکز قدیسین عالم است، خون او زینت آن عالم است. کسی که جسمش آنجاست، روحش کجاست؟ کیست که بفهمد چه کسی کشته شد؟ چطور کشته شد؟ برای چه کشته شد؟